

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۳۰ اکتوبر ۲۰۲۱

لگد زدن به مدفن "سگ مرده" شجاعت نیست!

(۲)

جمعه- ۰۷ عقرب ۱۴۰۰ - کابل:

در قسمت نخست این مختصر، مکث کوتاهی در باب مظلوم نمائی "خلیلزاد" نمودیم، در این قسمت می بینیم که گفته های "امر الله صالح" معاون اول "غنی احمدزی" به چه معناست. وقتی "امر الله صالح" می نویسد: "خلیلزاد عملاً طراح این طرح نیرنگ بزرگ بود. او از نظر ستراتیژیک "جمهوری" را مثل یک گوسفند قربانی می دید که تا لحظه نبح از آن مراقبت کرد. این مصاحبه ها بوی تعفن این شکست را از بین نمی برد."

در حقیقت اذعان به آن بخش از واقعیت می نماید، که بتواند خودش را در پناه آن مخفی دارد. چه این که "خلیلزاد" طراح این نیرنگ بزرگ بود و یا جمهوریت را مقابل امارت به مثابه گوسفند قربانی می دانست و سرانجام قضیه به گند کشید، اینها ها همه درست، سؤالی که بی پاسخ می ماند نقش شخص "غنی احمدزی" و بقیه باندش من جمله "امر الله صالح" در این میانه چه بود؟ مگر اینها شرخر خورده بودند که خلاف فهم تمام مردم افغانستان که می دانستند "خلیلزاد" جمهوریت را به طالب و امارت فروخته است و در نهایت این قضیه به گند خواهد کشید، این شیر خورده ها با آنهم در عقب "خلیلزاد" روان شده، ریسمان جمهوریت را تا آخرین لحظات در دست گرفته آن را در مسلخ، تحویل قصابان طالب دادند..

هموطنان گرامی!

این را می دانیم که کاربرد "نیرنگ، چال، فریب" و کلماتی که عین معنا را برساند وقتی در محاسبات سیاسی- اجتماعی، حتا زندگی روزمره به کار برده می شود، به همان سان که فاعل آن را نیرنگباز، چالباز و فریبکار می سازد، طرف مقابلش را "این، لوده و فریب خورده" معرفی می نماید. یعنی "امر الله صالح" با نیرنگ باز معرفی داشتن، "خلیلزاد" می خواهد بگوید که آنها را "خلیلزاد فریب داده" غولانده است.

هموطنان گرامی!

هرگاه چنین ادعائی را شخص "غنی احمدزی" نماید و یا کس دیگری در مورد وی بگوید، زیاد دغلبازانه به نظر نمی رسد زیرا مردم افغانستان می دانستند که نامبرده چندان از عقل سلیم برخوردار نبود از همین رو این قلم در نوشته ها وی را "مغز متعفن" معرفی می نمودم، هرگاه چنین ادعائی را "محب" و یا "فضلی" نماید باز هم نا ممکن تلقی نمی

شود، زیر آنها هیچ گاهی ادعای فهم امنیتی- استخباراتی که لازمه اش هوشیاری و زیرکی است نکرده اند، مگر وقتی "امر الله صالح" بعد از آنهمه ادعا و خود را متخصص استخباراتی- امنیتی معرفی داشتن و حتا از طریق رسانه ها با باد به غیغب انداختن چنین ادعائی که گویا یکبار آشنائی با جاسوسی، آشنائی و امتزاج دایمی با جاسوسی را به ارمغان می آورد؛ چنین ادعائی که طرف مقابل از نیرنگ علیه آنها کار گرفته و آنها را فریب داده است، به جز فریبکاری چیز دیگری را نمی رساند.

هموطنان گرامی!

"امر الله صالح" می خواهد قسمی وانمود سازد که گویا این بیچاره ها مظلوم واقع شده، متوجه طرح شیطانی "خلیلزاد" نشده اند. آیا مگر اینها متن موافقتنامه "دوحه" بین طالب و امریکا را نخوانده بودند؟ گیریم که حتا همان بند های مخفی را نیز ندیده باشند، مگر در همان قسمتهای علنی موافقتنامه صریحاً از **نظام بعدی** نام برده نشده بود؟ مگر نظام بعدی در ذات خود به معنای خط بطلان کشیدن بر حکومت همان زمان نبود؟

هموطنان گرامی!

در اینجا پای هیچ نوع نیرنگ و فریبی در میان نیست مگر این که کس و یا کسانی خواسته باشند از افاده خود فریبی منظوری داشته باشند. در اینجا موافقتنامه و تکامل اوضاع واضح و آشکار نشان می دهند، که امپریالیسم امریکا خود به تنهایی تصمیم گرفته تا حاکمیت و بهتر است نوشت سردستگی غلامانش را به طالب بدهد و از دست اینهمه متخصص، جاسوس شناس و مغز های متعفن به بینی رسیده است، این افراد هم قدم به قدم با آنها همکاری و همدستی نموده اند.

در این میان نقش منفی و ویرانگر "امر الله صالح" بر مبنای موقف و ادعایش که گویا استخباراتی - امنیتی است، از همه مهمتر است. چه تمام این روند که نخست ولسوالی ها و قومندانی های امنیه یکی پی دیگری زیر عنوان عقب نشینی تکتیکی به طالب تسلیم داده شد و در تمام آن ماه ها، نه تنها صدائی از "امرالله صالح" بلند نشد، بلکه همه را مورد تأیید قرار داده "تئوریزه" نیز می نمود و به دوام آن ولایتها همه یکی پشت دیگری به طالب سپرده می شد، "امرالله صالح" به حیث معاون اول "غنی احمدزی" که در نقش "کوتوال کابل" گردن فرازی می نمود، عضو "شورای امنیت ملی" بود و می بایست در تمام جلسات آن شرکت نموده باشد و با تمام تصامیم آن می بایست موافق بوده باشد ورنه مخالفت خویش را ابراز می نمود.

نفس حمایت قاطع و صریح وی از "غنی احمدزی" بیانگر آن است که "امرالله صالح" بخشی از پروژه تسلیم افغانستان به طالب بوده و هیچ بعید نیست که سروصدا های امروزش نیز به دوام همان نقش باشد.

هموطنان گرامی!

"صالح" ها چه بخواهند و چه نخواهند، چه بپذیرند و چه نپذیرند، مهره هائی بودند که به وسیله آنها روند تسلیم افغانستان به دستان دراز و نمایندگان پنجابی ها یعنی طالب را تکمیل و اعمال نموده اند. در نتیجه آنها در این خیانت سهیم اند و نمی توانند، برف بام شان را بر بام "خلیلزاد" ها بیندازند. "خلیلزاد" خیانت ها و گناهان خودش را دارد و اینها از خودشان را.

ادامه دارد.

مبارزه علیه امپریالیسم، جز لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع ها را مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!